




The University of Tehran Press

Water Cooperation Policy: A Legal Strategy for International Peace and Security

Mostafa Fazaeli¹ | Mahnaz Rashidi^{2✉}

1. Associate Prof. International Law Department. Faculty of Law. University of Qom, Qom, Iran.
Email: m-fazaeli@qom.ac.ir.
2. Corresponding Author; Assistant Prof., Law Department, Faculty of Human Science, Shahed University, Tehran, Iran. Email: Mahnaz.rashidi@iau.ac.ir

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article	<p>The conceptual evolution of peace and security has extended the term beyond the narrow concepts of war and military threats; to the extent that today the establishment of peace and security in the international community is considered dependent on the provision of human needs and a dignified life. A humanitarian approach to the concepts of peace and security, on the one hand, and the inevitability of having access to sufficient and safe water to meet human needs, on the other, raises the idea of exploring the relationship between water resource management and international peace and security. Therefore, the main question of the research is: what is the relationship between water and international peace and security and what is the political-legal mechanism for achieving international peace and water security. Using a descriptive-analytical method in this paper, based on library data and review of the views of political thinkers and international instruments, show that water and international peace and security are closely related to each other so that water, on the one hand, can be a factor in establishing international peace and security, but on the other hand, if this valuable material is not properly managed, can be a stimulus for disrupting peace and security at various national, regional and international levels. Meanwhile, the water cooperation policies of governments facilitate and supply water security in the international community, and international law can regulate, strengthen and guarantee this cooperation.</p>
Pages: 1907-1930	
Received: 2022/04/04	
Received in revised from: 2022/05/26	
Accepted: 2022/09/11	
Published online: 2024/09/22	
Keywords: <i>water, peace, international security, water cooperation, international law.</i>	
How To Cite	Fazaeli, Mostafa; Rashidi, Mahnaz (2024), Water Cooperation Policy: A Legal Strategy for International Peace and Security. <i>Public Law Studies Quarterly</i> , 54 (3), 1907-1930. DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2022.340520.3056
DOI	10.22059/JPLSQ.2022.340520.3056
Publisher	University of Tehran Press. 



سیاست همکاری آبی: راهبرد حقوقی برای صلح و امنیت بین‌المللی

مصطفی فضائی^۱ | مهناز رشیدی^۲۱. دانشیار گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران. رایانامه: m-fazaeli@qom.ac.ir

۲. نویسنده مسئول؛ استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

رایانامه: Mahnaz.rashidi@iau.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>صفحات: ۱۹۳۰-۱۹۰۷</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۵</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۳/۰۸</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۰</p> <p>تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱</p> <p>کلیدواژه‌ها: آب، امنیت بین‌المللی، حقوق بین‌الملل، صلح، همکاری آبی.</p>	<p>تحول مفهومی صلح و امنیت دامنۀ این اصطلاح را از مفهوم مضیق جنگ و تهدیدات نظامی فراتر برده است؛ تا جایی که امروزه استقرار صلح و امنیت در جامعه بین‌المللی در گرو تأمین نیازها و حیات باکرامت انسان دانسته می‌شود. رویکرد انسان‌مدارانه نسبت به این مفاهیم و اجتناب‌ناپذیر بودن دسترسی به آب کافی و سالم برای برآوردن نیازهای انسانی، ایده‌هایی مبنی بر کشف رابطه مدیریت منابع آبی با صلح و امنیت بین‌المللی را مطرح کرده است. از این رو سؤال اصلی پژوهش آن است که ارتباط آب و صلح و امنیت بین‌المللی چگونه است و سازوکار سیاسی-حقوقی تحقق صلح و امنیت آبی بین‌المللی چیست؟ مطالعات توصیفی-تحلیلی در این نوشتار، بر مبنای داده‌های کتابخانه‌ای و بررسی نظریات اندیشمندان سیاسی و اسناد بین‌المللی بیانگر آن است که آب، صلح و امنیت بین‌المللی با یکدیگر رابطه تنگاتنگی دارد، به طوری که آب می‌تواند عاملی برای برپایی صلح و امنیت بین‌المللی باشد، ولی چنانچه این ماده ارزشمند به‌درستی مدیریت نشود، می‌تواند محرکی برای برهم خوردن صلح و امنیت در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی باشد. در این میان، سیاست همکاری آبی دولت‌ها امنیت آبی را در جامعه بین‌المللی تسهیل و تأمین می‌کند و حقوق بین‌الملل می‌تواند این همکاری را تنظیم، تقویت و تضمین کند.</p>
استناد	فضائی، مصطفی؛ رشیدی، مهناز (۱۴۰۳). سیاست همکاری آبی: راهبرد حقوقی برای صلح و امنیت بین‌المللی. <i>مطالعات حقوق عمومی</i> ، ۵۴ (۳)، ۱۹۳۰-۱۹۰۷. DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2022.340520.3056
DOI	10.22059/JPLSQ.2022.340520.3056
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

ارتباط کمیابی منابع طبیعی و احتمال وقوع مناقشات، به اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی برمی‌گردد. در این زمان، مباحث امنیتی مبتنی بر منابع، حول سه موضوع مطرح شد: نفت خاورمیانه، گاز طبیعی شوروی و منابع معدنی آفریقای جنوبی (Soubeyran & Tomini, 2012: 280). جنگ‌های متعدد، در منطقه خلیج فارس گواهی بر این بود که نیاز کشورها به نفت در راستای رقابت برای توسعه می‌تواند آتش جنگ‌های ویرانگر را روشن کند و اختلافات گازی روسیه و اوکراین نشان داد که مناقشات بر سر منابع طبیعی همچنان ادامه دارد (Soubeyran & Tomini, 2012: 280). اما دوران جدید، دوره طرح ایده‌هایی در زمینه امکان وقوع جنگ‌های آبی به دلیل کمبود منابع آب است. به نحوی که در سطح دکترین علمی مانند مقاله «جنگ بر سر آب» نگاشته جان. ک. کولی که نخستین مقاله در این زمینه بود (Cooley, 1984: 3-26) و حتی در بیان سیاستمدارانی چون پطروس غالی (وزیر امور خارجه وقت مصر)، کوفی عنان و بان کی مون (دبیرکل‌های وقت سازمان ملل متحد)، ارتباط آینده امنیت منطقه غرب آسیا با مسئله کم‌آبی و احتمال بروز جنگ‌های آبی با قوت بیشتری بیان شد (Jerome, 2015). امروزه، گزارش نهادهای بین‌المللی و تحلیل‌های صورت‌گرفته، کم‌آبی در سراسر جهان را یک بحران جدی قلمداد می‌کند و پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که غرب آسیا و شمال آفریقا مستعدترین منطقه برای بروز جنگ‌های آبی است (FAO, 2019: 1; World Bank Group, 2018: xxv). چنانکه هریک از اقدامات توسعه‌طلبانه ترکیه و احداث سدهای بزرگ بر سرشاخه‌های رودخانه‌های دجله و فرات و نیز رود ارس، صف‌آرایی مصر و اتیوپی بر سر رود نیل، کشمکش‌های سوریه و اسرائیل در لبنان در مورد رود عاصی و رود لیتانی می‌تواند آتش جنگی تمام‌عیار را روشن سازد، اما در سایر بخش‌های جهان نیز سطوحی از این‌گونه تعارضات آبی مشهود است. رقابت هند و پاکستان بر سر رود ایندوس و تعارضات ایران و افغانستان در رابطه با هیرمند از این جمله است. افزون بر این، با توجه به تحول مفهومی صلح و امنیت بین‌المللی، ناامنی ناشی از آب تنها محدود و منحصر به جنگ‌های آبی نمی‌شود. مسائل و مشکلاتی چون مهاجرت‌های داخلی و خارجی، اعتراضات و بی‌ثباتی‌های داخلی، تخریب محیط زیست، شیوع بیماری‌های همه‌گیر مربوط به آب و... می‌تواند سطحی از ناامنی را در مناطق کم‌آب ایجاد کند (رشیدی، ۱۳۹۹: ۷۴-۸۵). از این رو هدف اصلی این نوشتار آن است که ضمن تشریح رابطه آب و صلح و امنیت بین‌المللی، مهم‌ترین راهکار حقوقی - سیاسی تضمین امنیت آبی را بیابد. فرضیه بنیادین این پژوهش آن است که آب و صلح و امنیت بین‌المللی با یکدیگر رابطه‌ای تنگاتنگ دارند. به گونه‌ای که مدیریت ناصحیح منابع آبی می‌تواند صلح و امنیت بین‌المللی را برهم زند. با وجود این کلید رفع تهدیدات امنیتی آبی، در همکاری بین‌المللی نهفته است و حقوق بین‌الملل می‌تواند زمینه‌های تقویت همکاری

بین‌المللی آبی را فراهم آورد. به منظور ارزیابی این فرضیه، پژوهش پیش‌رو نخست ضمن بیان تحول مفهومی صلح و امنیت بین‌المللی، ارتباط آن را با آب در عرصه نظر و رویه نهادهای بین‌المللی واکاوی خواهد کرد و در نهایت، راهکار مناسب سیاسی - حقوقی برای رفع بحران کم‌آبی را بیان می‌دارد.

۲. قلمرو مفهومی صلح و امنیت بین‌المللی

تا پیش از تأسیس سازمان ملل متحد، صلح، به وضعیتی اطلاق می‌شد که در آن جنگ حکمفرما نباشد (صلح منفی)؛ اما پس از تشکیل این سازمان، به تدریج مفهومی مثبت به صلح بخشیده شد.^۱ صلح در وجه مثبت آن، به همزیستی گروه‌ها و اقوام مختلف در محیطی فارغ از خشونت، اعم از خشونت مستقیم نظامی یا خشونت غیرمستقیم مانند بی‌عدالتی، فقر، توسعه‌نیافتگی، تخریب محیط زیست و به طور کلی نقض حقوق بشر اطلاق می‌شود (عسکری و خسروی، ۱۳۹۵: ۲۴۱). بر این اساس، صلح دیگر پدیده بین‌الدولی صرف نیست؛ بلکه حیات انسان‌ها و دیگر گروه‌های غیردولتی را نیز در برمی‌گیرد (Soltani & Moradi, 2017:138).

امنیت در لغت، حالت امن بودن، برحذر بودن از خطر و تهدید معنا یافته است (English Oxford Living Dictionary, 2018). اغلب نظریه‌پردازان نیز، مفهوم امنیت را در ارتباط متقابل با تهدید تعریف می‌کنند (Engerer, 2009: 4) و معتقدند تهدید در شرایط عدم امنیت شکل می‌گیرد. چنانکه از نظر «آرنولد و لفرز»^۲ امنیت از نظر عینی، فقدان تهدید در قبال ارزش‌های اکتسابی است و از لحاظ ذهنی نبود ترس از اینکه این ارزش‌ها مورد هجوم قرار خواهند گرفت (Wolfers, 1962:150).

مفهوم امنیت در طول تاریخ روابط بین‌الملل دچار تحولات مهمی شده و از مفهوم مضیق و دولت‌محور امنیت ملی که در آن، تهدیدات سرشتی نظامی داشتند، به مفهوم نوین امنیت انسانی، در دوران پس از افول جنگ سرد، ارتقا یافته است (رنجبر حیدری و جمشیدی، ۱۳۹۵: ۲۰۳؛ اشرافی، ۱۳۹۳: ۸۶؛ وکیل، ۱۳۹۱: ۱۳۱؛ قاسمی، ۱۳۸۴: ۸۱۸). مفهوم جدید امنیت انسانی بر حفاظت از افراد با هدف نهایی صلح و ثبات بین‌المللی تأکید دارد. در این نظریه، نوع تهدیدات صرفاً نظامی نیست؛ افزون بر این تهدیدات تنها برآمده از دولت‌ها نیستند، بلکه این رویکرد، گاهی تهدید را از جانب خود دولت و گاه خارج از آن، برای مثال برآمده از عوامل طبیعی و زیست‌محیطی می‌داند (شریفی طرازکوهی و مصطفی‌لو، ۱۳۹۵: ۱۱۳).^۳ در سال ۱۹۹۷ برنامه توسعه ملل متحد در گزارش توسعه انسانی بیان کرد که «امنیت به‌طور

۱. شورای امنیت در بیانیه صادره در ۳۱ ژانویه ۱۹۹۲ تأکید کرد که صلح تنها فقدان تعارض بین دولت‌ها نیست؛ بلکه عدم ثبات اقتصادی، اجتماعی، انسانی و زیست‌محیطی تهدیدی برای صلح و امنیت است (UN Doc. S/23500, 1992: 3).

2. Arnold Wolfers

۳. برای مثال بوزان بر چندبعدی بودن امنیت تأکید دارد و قلمرو مسائل امنیتی را در پنج بعد نظامی، اقتصادی، سیاسی،

فزاینده‌ای به‌عنوان امنیت مردم، نه‌فقط امنیت سرزمین؛ امنیت افراد، نه‌فقط امنیت ملت‌ها؛ امنیت از طریق توسعه، نه‌فقط از طریق سلاح‌ها؛ امنیت همه مردم، در همه جا، در خانه‌هایشان، در محل‌های کار آنها، در خیابان‌ها، در جوامع و در محیط زیست تفسیر می‌شود» (ul Haq, 1997) و به این طریق، مفهوم امنیت انسانی را شناسایی کرد. همچنین گزارش دبیرکل وقت سازمان ملل، کوفی عنان، بر ابعاد جدید تهدیدات امنیتی صحنه می‌گذارد و بیان می‌کند: «تهدیدات صلح و امنیت در قرن بیست‌ویکم، نه‌فقط شامل تعارض و جنگ بین‌المللی، بلکه خشونت داخلی، جرم سازمان‌یافته، تروریسم و سلاح‌های کشتارجمعی نیز می‌شود. آنها همچنین شامل فقر، بیماری‌های عفونی مرگبار و زوال محیط زیست می‌شوند، زیرا اینها می‌توانند نتایج فاجعه‌بار یکسانی را ایجاد کنند. همه این تهدیدات می‌تواند به مرگ یا کاهش شانس زندگی در مقیاس گسترده منجر شود» (Annan, 2005: 3). با پذیرش قطعنامه ۶۶/۲۹۰ مجمع عمومی در ۱۰ سپتامبر ۲۰۱۲ نیز، دولت‌های عضو مجمع عمومی با اجماع عام پذیرفتند که امنیت انسانی رویکردی است که به دولت‌های عضو در شناسایی و توجه به چالش‌های گسترده و متقابل نسبت به بقا، معیشت و کرامت مردمان آنها کمک می‌کند. بر اساس این قطعنامه، مردم از حق زندگی در آزادی و کرامت برخوردارند. همه افراد محق به آزادی از ترس و نیاز و داشتن فرصتی برابر برای بهره‌مندی از همه حقوق و توسعه کامل توانایی‌های انسانی خود هستند (UN Doc. A/RES/66/290, 2012: para. 3).

در حقوق بین‌الملل امروز، انسان، فارغ از مرزبندی‌های سیاسی و تفاوت‌های ظاهری و عقیدتی، در مرکز توجه قرار دارد و صلح و امنیت به معنای فراهم کردن شرایطی است که در آن استانداردهای زندگی مناسب، ثبات و رفاه فراهم شده و کرامت انسانی حفظ شود. از این رو پایه و اساس امنیت با رویکرد انسانی، آزادی از ترس و آزادی از نیاز است که در زمره آزادی‌های چهارگانه بنیادین در اعلامیه جهانی حقوق بشر مطرح شده است (Universal Declaration of Human Rights, 1948: preamble).^۱ اگرچه این دو آزادی فی‌نفسه حق مستقلی محسوب نمی‌شوند، پایه و اساس سایر حقوق بنیادین بشری، از جمله حق بر امنیت را تشکیل می‌دهند، زیرا آزادی از ترس مستلزم تأمین و برقراری امنیتی است که اشخاص را قادر می‌سازد با اطمینان خاطر و در آرامش زندگی کنند (اسلامی و مرتضوی فرد، ۱۳۹۴: ۴۶-۴۷). مطابق مقدمه میثاقین حقوق بشری^۲، آزادی از ترس و آزادی از نیاز انسان‌ها در گرو بهره‌مندی آنها از تمامی حقوق بشری خود و رفع تمامی نیازهایی است که آزادی، رفاه و زندگی با کرامت انسان را تضمین می‌کند.

فرهنگی و زیست‌محیطی تعریف می‌کند.

۱. آزادی بیان، آزادی عقیده، آزادی از ترس و آزادی از نیاز، آزادی‌های بنیادین مندرج در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشرند.
۲. «... بر طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر، کمال مطلوب انسان آزاد رهایی‌یافته از ترس و فقر، فقط در صورتی حاصل می‌شود که شرایط تمتع هر کس از حقوق مدنی و سیاسی خود و همچنین از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی او فراهم شود».

از آنجا که آب از اساسی‌ترین نیازهای انسان است که با ابعاد گوناگونی از رفاه انسانی و زندگی با کرامت و مناسب وی مرتبط است، ضرورت دارد که تک‌تک انسان‌ها به صورت فردی و جمعی، در هر سطح از خانگی تا جهانی، از ترس ناشی از کمبود آن و یا تهدیدات بالقوه آن مانند آلودگی آبی، وقوع بلایای مربوط به آب و تهدید مناقشات آبی رهایی یابند و در این نقطه کانونی است که آب و امنیت با یکدیگر پیوند می‌خورند. در این میان، چگونگی برقراری پیوند میان صلح و امنیت با موضوع آب و میزان تطابق مسائل آبی با موضوعات امنیتی را باید در مکاتب و نظریات مهم مطالعات امنیتی جست‌وجو کرد.

۳. پیوند آب و امنیت در مکاتب مختلف روابط بین‌الملل

رنالیسم و لیبرالیسم، مکاتب بنیادین نظری علم روابط بین‌الملل هستند. نگاه ویژه و نوع برداشت‌های متفاوتی که هریک از طرفداران این دو مکتب از مفهوم امنیت ارائه می‌دهند، می‌تواند بر تحلیل ارتباط آب و امنیت اثرگذار باشد. از این رو در این بخش، به مفهوم امنیت از دیدگاه اندیشمندان رنالیسم و لیبرالیسم و رویکرد آنها نسبت به مقوله امنیت آب پرداخته خواهد شد.

۳.۱. آب و امنیت در مکتب رنالیسم

مؤلفه‌های اصلی نظریه رنالیسم که توسط هانس. جی، مورگنتا در کتاب سیاست میان ملت‌ها در سال ۱۹۴۵، مطرح شد، دولت‌محوری، قدرت‌محوری و منافع‌محوری است (ستوده، ۱۳۹۶: ۷۳). از دیدگاه اندیشمندان این مکتب، دولت‌ها بازیگران اصلی روابط بین‌المللی هستند و اصل اولیه، حفظ حاکمیت و استقلال آنهاست (دولت‌محوری)؛ همه دولت‌ها هدف اصلی و اساسی خود را کسب قدرت، از نوع قدرت نظامی، قرار داده‌اند (قدرت‌محوری) و همواره درصدد پیگیری منافع ملی خود هستند و با توجه به میزان قدرت خود، منافع را اولویت‌بندی می‌کنند تا بتوانند آنها را به دست آورند (منافع‌محوری) (ستوده، ۱۳۹۶: ۷۸-۸۵). در این رویکرد، دولت‌ها عامل اصلی تهدید و برقراری امنیت محسوب می‌شوند و امنیت بین‌الملل به امنیت ملی دولت‌ها وابسته است. رنالیست‌ها معتقدند از آنجا که هر دولتی برای افزایش قدرت و کسب منافع بیشتر، می‌تواند به صورت بالقوه تجاوزگر باشد و در عین حال ممکن است مورد تجاوز واقع شود، بازدارندگی‌های متقابل و سیاست موازنه قدرت بهترین روش تأمین امنیت است (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳). آنها بر این نظرند که بازیگران بین‌المللی پیوسته افزایش قدرت اقتصادی و نظامی یکدیگر را مدنظر قرار می‌دهند و برای تصاحب آن با یکدیگر رقابت می‌کنند (قریشی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۴۷). از آنجا که این گروه، امری را که موازنه قوا را برهم زند و بقا یا منافع ملی یک دولت را تهدید کند، امنیتی می‌دانند، منابع طبیعی مانند نفت و امروزه، آب را عاملی امنیتی و موجد قدرت می‌پندارند، زیرا به دلیل وابستگی بقای

دولت‌ها به آب، کمیابی آب و توزیع نامتوازن آن می‌تواند مسئله‌ای امنیتی و راهبردی باشد و عاملی اساسی در افزایش قدرت سیاسی و اقتصادی تلقی شود (ابوطالبی، ۱۳۹۵). از این‌رو دولت‌هایی که سهم کمتری از این ماده حیاتی دارند، همواره در پی دستیابی به سهم بیشتری از آن برای تأمین منافع خود هستند و برای کسب آن ممکن است به رقابت نظامی و جنگ متوسل شوند. بدین ترتیب آب می‌تواند به‌عنوان یک مسئله مهم امنیتی در سطح ملی و بین‌المللی در نظر گرفته شود.

«پیتر اچ. گلیک»^۱ اندیشمند رئالیست آمریکایی، در مقاله‌ای به رابطه آب و مخاصمه می‌پردازد و بیان می‌دارد جایی که آب کمیاب است، رقابت برای منابع محدود می‌تواند موجب ایجاد اختلافاتی بین ملت‌ها شود. اگرچه در همه موارد اختلافات مربوط به منابع آبی به مخاصمه خشونت‌بار نمی‌انجامد، در مناطق معینی از جهان مثل خاورمیانه (غرب آسیا) و آسیای جنوبی و مرکزی، آب منبعی کمیاب و در عین حال بااهمیت، برای توسعه اقتصادی و کشاورزی است. در این مناطق، آب به یکی از مسائل سیاسی سطح بالا تبدیل می‌شود و احتمال خشونت‌های مرتبط به آب افزایش می‌یابد (Gleick, 1993: 79-80). از نظر گلیک، آب و سیستم‌های تأمین آن در مواردی به‌عنوان ریشه‌های بروز مخاصمات و در مواردی نیز به‌عنوان ابزار و وسایل جنگی و گاهی به‌عنوان اهداف نظامی مورد استفاده یا حمله قرار گرفته‌اند. گلیک در مقاله خود از مفهوم «سیاست‌های قدرت»^۲ بهره می‌گیرد. بر اساس این مفهوم، نقش منابع به‌منزله هدف اقدامات نظامی، زمانی که این منابع عامل مهم در قدرت یک کشور باشند، تصدیق شده است. اگرچه این نظریه بیشتر به نقش منابع تجدیدناپذیر مثل نفت و مواد معدنی توجه دارد، آب نیز اگر منبعی برای تقویت قدرت اقتصادی یا سیاسی یک یا چند کشور باشد، می‌تواند در این چارچوب قرار گیرد (Gleick, 1993: 84). گلیک بیان می‌دارد نابرابری در توزیع و استفاده از منابع، از جمله آب، می‌تواند به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم موجب ایجاد تعارضات خشونت‌بار شود. در نهایت، گلیک به این نتیجه می‌رسد که اگرچه احتمال اینکه منابع آبی دلیل منحصر مخاصمه باشند، بسیار کم است، با وجود این امروزه منابع آب شیرین در مناطق زیادی ارزشمند شده‌اند و احتمال تعارضات ناشی از آب رو به افزایش است (Gleick, 1993: 92-96).

بر اساس تحلیل‌های ارائه‌شده توسط اندیشمندان رئالیسم، بارزترین مثال برای احراز رابطه آب و صلح و امنیت بین‌المللی و استفاده از آب به‌عنوان یک عامل افزایش قدرت را می‌توان در منطقه کم‌آب غرب آسیا و شمال آفریقا یافت. این منطقه درحالی‌که کمتر از ۱ درصد از منابع آب شیرین جهان را در اختیار دارد، محل زندگی حدود ۶ درصد از جمعیت جهان است؛ ۶۰ درصد جمعیت این منطقه در اماکنی زندگی می‌کنند که تنش آبی بسیار زیاد است و حدود ۷۰ درصد فعالیت‌های اقتصادی در سرزمین‌هایی با محدودیت آبی زیاد یا بسیار زیاد واقع شده است (World Bank, 2018: 1-14). با وجود استفاده از

1. Peter H. Gleick

2. Power Politics

فناوری‌های جدید تأمین آب در برخی کشورهای این منطقه، کم‌آبی شدید، ضعف حکمرانی، تغییر هیدرولوژی و افزایش تقاضا در بخش‌های مختلف به افزایش رقابت آبی میان کشورهای این منطقه منجر شده است (Golmohammadi, 2021). در نتیجه، این منطقه، اکنون از حیث امنیت آبی در شرایط باثباتی به سر نمی‌برد که این مسئله، می‌تواند موجب ایجاد یا تشدید بحران‌های دیگر اجتماعی، اقتصادی یا سیاسی شود. اقدامات ترکیه در احداث پروژه‌های عظیم مدیریت آب از جمله پروژه گاپ بر رودهای دجله و فرات و پروژه داپ بر رود ارس، اقدامات افغانستان بر رودهای هیرمند و هریرود، ساخت سد النهضه توسط ایتوپیا بر رود نیل، نمایانگر آن است که کشورهای این منطقه به آب به‌عنوان نوعی ابزار کسب قدرت نگاه می‌کنند. همچنین در مخاصمات مسلحانه متعدد این منطقه، از جمله در جنگ‌های داخلی سوریه و عراق با داعش، جنگ داخلی سودان، جنگ یمن و... موارد متعددی از سلاح‌نگاری آب یا هدف قرار دادن زیرساخت‌های آبی قابل ذکر است (رشیدی، ملکی راد و مشهدی، ۱۴۰۰). افزون‌بر این کم‌آبی و یا مدیریت ناصحیح آب از جمله دلایل ریشه‌ای بسیاری از جنگ‌ها و آشوب‌های منطقه غرب آسیا، به‌ویژه جنگ داخلی سوریه بوده است (کول و گراهام، ۱۳۹۴). مشکلات زیست‌محیطی و حقوق بشری متعدد ناشی از عدم مدیریت منابع آبی در این منطقه مانند خشک شدن تالاب‌ها و تشدید پدیده گرد و غبار که خود سبب تهدید سلامتی و معیشت مردم ساکن در غرب آسیا شده، وقوع مهاجرت‌های زیست‌محیطی و... از دیگر آثار امنیتی کم‌آبی و حاصل رویکردهای رئالیستی به امنیت آب در این منطقه است.

۳.۲. آب و امنیت در مکتب لیبرالیسم

مکتب لیبرالیسم و نوع افراطی آن با عنوان «ایده‌آلیسم» از دیگر مکاتب مهم روابط بین‌الملل است که در سال‌های پس از جنگ‌های جهانی نمود بیشتری یافت. اندیشمندان مکتب لیبرالیسم، دولت را به‌تنهایی مسئول رفع تهدیدات امنیتی نمی‌دانند، بلکه معتقدند بازیگران غیردولتی و دیگر بازیگران مانند سازمان‌های بین‌المللی نیز در کنار دولت‌ها به ایفای نقش می‌پردازند (عباسی اشقلی، ۱۳۸۳: ۵۳۳). در نظر اندیشمندان این مکتب، دولت‌ها صرفاً در پی بقا در نظام بین‌المللی نیستند، بلکه آنها آرایشی از افراد و گروه‌هایی هستند که می‌خواهند منافع خود را از طریق نوعی حکومت خاص در نظام بین‌المللی پیگیری کنند (دادمهر، ۱۳۹۴: ۳۰). تفکر این گروه بر این مبنا استوار است که انسان قابلیت تکامل دارد و استقرار دموکراسی لازمه توسعه و ارتقای تکامل انسان است. در این اندیشه، حکومت‌ها توسط مردم انتخاب می‌شوند و مردم نیز به دنبال صیانت از نفس و افزایش رفاه هستند و برای رسیدن به این اهداف به آزادی نیازمندند. آزادی نیز تنها در وضعیت صلح و آرامش حاصل می‌شود (یزدان فام، ۱۳۸۶: ۷۳۲). بنابراین نظریه‌پردازان لیبرالیسم تأمین نفع ملی را در جنگ و تکیه بر توان نظامی نمی‌بینند، بلکه بر

اهمیت مسائل اقتصادی، زیست‌محیطی و تکنولوژیکی تأکید دارند. هرچند این به آن معنا نیست که لیبرالیست‌ها به مسائل نظامی بی‌اعتنا هستند، بلکه اولویت را به ابعاد و موضوعات غیرنظامی می‌دهند (عباسی اشقلی، ۱۳۸۳: ۵۳۴).

اندیشمندان لیبرالیسم خود به گروه‌های مختلفی تقسیم می‌شوند. گروهی لیبرال‌های معتقد به وابستگی متقابل و دسته‌ای نئولیبرال‌های نهادگراست. دسته نخست بر این باورند که به دلیل وابستگی متقابل جوامع در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی، هیچ دولتی به‌تنهایی نمی‌تواند در مسیر رشد و شکوفایی قرار گیرد. از این رو بر تجارت آزاد که به وابستگی متقابل منجر شده و هزینه مناقشات را کاهش می‌دهد، بسیار تأکید می‌شود. اینان، سود و زیان دولت‌ها را به یکدیگر وابسته می‌دانند و حاصل این وابستگی آن است که سود یک دولت به معنای زیان دیگری نیست، بلکه سود و زیان از آن همه طرف‌هاست (وحیدی راد، ۱۳۹۲: ۱۰۴-۱۰۶). اما نئولیبرال‌ها یا نهادگرایان بر نقش نهادها در روابط بین‌الملل تأکید دارند. آنها معتقدند به دلیل نبود یک اقتدار مرکزی در عرصه بین‌الملل، سازمان‌های بین‌المللی و حقوق بین‌الملل که از جمله اشکال نهاد را تشکیل می‌دهند، می‌توانند فضای مسالمت‌آمیزی را برای حل و فصل اختلافات و افزایش همکاری میان دولت‌ها فراهم کنند (میان‌آبادی و قریشی، ۱۴۰۱: ۱۶۶-۱۶۷). در این نظریه، همزیستی جای خود را به همکاری داده است و این همکاری بین‌المللی از طریق ایجاد سازمان‌های بین‌المللی، تمسک به حقوق بین‌الملل و انعقاد معاهدات چندجانبه به جای معاهدات دوجانبه محقق می‌شود (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵-۶).

تئوری لیبرال، تئوری از پایین به بالاست؛ به این معنا که مطالبات و نیازهای افراد و گروه‌های اجتماعی است که سیاست یک کشور در عرصه ملی و فراملی را تعیین می‌کند (دادمهر، ۱۳۹۴: ۳۲). مترتب بر همین گزاره، آب، که از بنیادی‌ترین نیازها و مطالبات فردی و عمومی است، به دلیل وابستگی بقای جوامع بشری در ابعاد مختلف به آن و نقش اساسی آن در رفع نیازهای بنیادین انسانی، موضوعی است که به امنیت و روابط سیاسی مرتبط است. یکی از مؤلفه‌های تفکر لیبرالیسم، تأکید بر وابستگی متقابل دولت‌هاست که آنها را از ورود به عرصه رقابت‌طلبی و جنگ‌طلبی تا حد زیادی باز می‌دارد (میان‌آبادی و قریشی، ۱۴۰۱: ۱۶۴-۱۶۶). بنابراین لیبرالیست‌ها دیدگاهی خوش‌بینانه نسبت به مناسبات آبی دارند و معتقدند تضاد منافع و رقابت بین کشورهای ساحلی با برآورد ارزش اقتصادی آب و نیز ایجاد همکاری‌های آبی در قالب نهادها و رژیم‌های مشترک آبی قابل کنترل است. برای مثال الهانس در تحلیلی از همکاری و مناقشه در حوضه‌های رودخانه‌های بین‌المللی نشان داد که انواع چالش‌های سیاسی، اقتصادی، محیط زیستی یا جغرافیایی میان دولت‌ها می‌تواند به بروز مناقشات بینجامد، اما سازوکارهای ایجاد همکاری می‌تواند آن را حل کنند (Elhance, 2000: 218). آرون ولف نیز جنگ بر سر آب را نه به لحاظ راهبردی، منطقی و نه از حیث آب‌شناسی مؤثر و نه از نظر اقتصادی، مقرون به

صرفه می‌داند و آب را بیشتر ابزاری برای همکاری دانسته تا ایجاد مناقشه، بنابراین همکاری‌های آبی مهم‌ترین ابزار در مسیر تأمین امنیت آب و به تبع آن امنیت انسانی و بین‌المللی به‌شمار می‌آیند و می‌توانند در مواردی مانع وقوع جنگ‌های آبی و تشدید اختلافات میان دولت‌ها باشند (میان‌آبادی و قریشی، ۱۴۰۱: ۱۶۸؛ Wolf, 1998: 261).

آنچنان که از مطالعه نظریات اندیشمندان مکتب رئالیسم و لیبرالیسم برآمد، علی‌رغم تفاوت رویکرد دو دیدگاه در خصوص احتمال وقوع جنگ‌های آبی، هر دو بر این نظرند که آب و امنیت با یکدیگر مرتبطاند، اما نوع این رابطه و چگونگی حصول امنیت آب متفاوت است. هیچ‌یک از این دو دیدگاه، آب را تنها عامل ایجاد جنگ‌های آبی در آینده نمی‌دانند، زیرا دولت‌ها، به‌عنوان بازیگران اصلی عرصه بین‌المللی، که همواره درصدد دستیابی به منافع بیشترند، همکاری را بر برپایی جنگ‌های آبی ترجیح می‌دهند.

۴. پیوند آب و امنیت در اسناد و رویه نهادهای بین‌المللی

ارتباط بین منابع طبیعی و صلح و امنیت بین‌المللی از دهه ۱۹۷۰ میلادی در اسناد بین‌المللی متجلی شد. اولین سندی که این رابطه را مدنظر قرار داد، اعلامیه استکهلم ۱۹۷۲ بود. این سند باب را برای این دیدگاه باز کرد که حمایت زیست‌محیطی از منابع طبیعی «همراه و در هماهنگی با اهداف بنیادین و اساسی صلح، اقتصاد جهانی و توسعه اجتماعی است» (Stockholm Declaration, 1972, para. 6). به‌عبارت دیگر این سند بین حفاظت از محیط زیست با اهداف نهایی دولت‌ها که همان دستیابی به صلح و توسعه در ابعاد مختلف آن است، پیوند برقرار کرد. پس از آن، سند حاصل از کنفرانس هلسینکی با موضوع امنیت و همکاری در اروپا، بار دیگر اهمیت همکاری زیست‌محیطی را برای افزایش سطح رفاه مردم، توسعه اقتصادی تمامی کشورها، حل مشکلات و به تبع آن حفظ روابط صلح‌آمیز بین دولت‌ها مورد تأکید قرار داد (The Final Act of the Conference on Security and Cooperation in Europe, 1975: 27). ارتباط بین محیط زیست، توسعه و صلح در اعلامیه ریو ۱۹۹۲ نیز به رسمیت شناخته شد. چنانکه اصل ۲۵ این سند بیان می‌دارد صلح، توسعه و حفاظت زیست‌محیطی لازم و ملزوم یکدیگرند (Rio Declaration on Environment and Development, 1992: Principle. 25). بیانیه دوبرلین در آب و توسعه پایدار (۱۹۹۲) نیز از دیگر اسناد حائز اهمیت در این موضوع است. مقدمه این اعلامیه، به‌صراحت کم‌آبی و استفاده نامناسب از آب را تهدیدی بر توسعه، حفظ محیط زیست، سلامت و رفاه انسانی دانسته است. اصل اول آن، آب را ماده‌ای محدود و در معرض خطر می‌داند که برای حیات پایدار، توسعه و محیط زیست ضرورت دارد. همچنین درج آثاری در برنامه اقدام این سند، مانند رفع فقر و بیماری، توسعه پایدار شهری، حل تعارضات آبی از مهم‌ترین دلایل احراز ارتباط

Dublin Statement on Water and Sustainable Development,) میان آب، صلح و امنیت است (UN Doc. A/RES/59/565, 2004: 25).
(1992, Preamble, Principle. 1 and the Action Agenda)

نقش منابع طبیعی در صلح و امنیت بین‌المللی در گزارش هیأتی عالی ایجادشده توسط کوفی عنان، دبیر کل اسبق سازمان ملل متحد، در سال ۲۰۰۴ نیز مورد توجه قرار گرفت. هدف این هیأت که عبارت بود از «ارزیابی تهدیدات اخیر بر صلح و امنیت بین‌المللی و پیشنهاد اقداماتی برای تقویت سازمان ملل، به‌نحوی که بتواند امنیت جمعی را برای همه در سده بیست‌ویکم ایجاد کند» (UN Doc. A/RES/59/565, 2004: Para. 3)، شش گروه از تهدیدات بر این هدف را مشخص کرد که یکی از آنها زوال محیط زیست بود. این گزارش به‌دقت مسائل زیست‌محیطی و به‌خصوص موضوعات مربوط به منابع طبیعی را با نگرانی‌های امنیتی دولت‌ها پیوند زده است (UN Doc. A/RES/59/565, 2004: 25).

اما از انتهای دهه ۱۹۹۰ و سال‌های آغازین سده بیست‌ویکم، آب به‌عنوان یک منبع طبیعی مستقل، جایگاه خاصی در اسناد بین‌المللی به‌دست آورد و پیوند آن با امنیت نیز مورد ملاحظه قرار گرفت. اعلامیه اجرایی امنیت آب صادره از دومین نشست جهانی آب در لاهه در سال ۲۰۰۰، به‌صراحت به رابطه آب و امنیت توجه و تأکید کرد که امنیت آب همراه با ثبات سیاسی است (Second World Water Forum, 2000: Para. 1). بر اساس مفهوم و چالش‌های مطروحه در خصوص امنیت آب در این سند، نه‌تنها دولت‌ها، بلکه افراد نیز محق به بهره‌بردن از صلح و امنیت بین‌المللی هستند و تأمین نیازهای بنیادین انسان در کاهش تعارضات و بازگشت صلح نقشی اساسی دارد.

شورای امنیت، به‌عنوان مهم‌ترین رکن حافظ صلح و امنیت بین‌المللی، به موضوع آب، اغلب در رابطه با مخاصمات مسلحانه پرداخته است. برای نمونه این نهاد در دهه ۱۹۵۰ دو قطعنامه در زمینه طرح‌های توسعه‌ای بر رود اردن در منطقه غیرنظامی تعیین‌شده تحت توافقنامه آتش‌بس میان اسرائیل و سوریه در سال ۱۹۴۹ اتخاذ کرده که در ضمن آن، تعلیق آن اقدامات را خواستار شده بود (UN Doc. S/RES/93, 1951: Para. b). پس از جنگ شش‌روزه اعراب و اسرائیل و اشغال ارتفاعات جولان، کرانه باختری و نوار غزه، شورای امنیت مجدداً به موضوع منابع آبی در خاورمیانه ورود پیدا کرد و در سال ۱۹۷۹ کمیسیونی مرکب از سه عضو شورای امنیت به انتخاب رئیس شورا، تشکیل داد که هدفش تحلیل وضعیت شهرک‌سازی‌ها در سرزمین‌های عربی اشغالی از سال ۱۹۶۷ بود (UN Doc. S/RES/446, 1979: Para. 4). شورا در سال ۱۹۸۰ وضعیت آب را نیز به صلاحیت کمیسیون اضافه کرد. این اقدام، «نشان‌دهنده نیاز کمیسیون به ارزیابی اقدامات برای حمایت بی‌طرفانه از سرزمین‌ها و اموال عمومی و خصوصی و منابع آبی در سرزمین‌های اشغالی فلسطین و دیگر سرزمین‌های کشورهای عربی» بود (UN Doc. S/RES/465, 1980: pramble). بنابراین کمیسیون وظیفه تحقیق در خصوص تضعیف منابع طبیعی، به‌ویژه منابع آبی، به‌منظور حفاظت منابع طبیعی مهم سرزمین‌های تحت اشغال را بر عهده داشت (UN Doc. S/RES/465, 1980: Para. 8).

همان سال در گزارش کمیسیون به استفاده آب توسط اسرائیل به عنوان سلاح اقتصادی و حتی سیاسی برای پیشبرد سیاست خود در شهرک‌سازی‌ها اشاره شد (UN Doc. S/14268, 1980: Para. 239). با وجود آنکه این مسئله در گزارش مطرح شد، هیچ اقدام خاصی در این زمینه صورت نگرفت.

شورای امنیت در زمینه خاص آب و امنیت نیز، در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷، دو مباحثه موضوعی با عنوان‌های «آب، صلح و امنیت» و «دیپلماسی پیشگیرانه و آب‌های فرامرزی» را برگزار کرد (UN Doc. S/PV/7818, 2016; UN Doc. S/PV/7959, 2017). اگرچه در نتیجه این مباحثات، هیچ قطعنامه‌ای صادر نشد، توجه به این مسئله، خود مبین نگرانی فزاینده جامعه بین‌المللی نسبت به ارتباط اجتناب‌ناپذیر میان آب، صلح و امنیت بین‌المللی است. گفتنی است که شورای امنیت پیش از این، از اواخر دهه ۱۹۹۰ توجهش را به حمایت از منابع طبیعی، به عنوان ابزاری برای پیشگیری از مخاصمات و ایجاد صلح در کشورها در دوره پس از جنگ، معطوف کرده بود.^۱ همچنین در سال‌های ۲۰۰۷، ۲۰۱۱، ۲۰۱۳ و ۲۰۱۷ در مورد تأثیر تغییرات آب‌وهوایی بر صلح و امنیت بین‌المللی مباحثاتی را برگزار کرد که علی‌رغم اهمیت موضوع، نتیجه حاصله چندان چشمگیر نبود و این شورا، تنها به صدور یک بیانیه ریاستی در این زمینه اکتفا کرد (Climate Diplomacy, 2018). شایسته توجه است که شورای امنیت در سال‌های اخیر در مورد تأثیرات منفی تغییرات آب‌وهوایی، خشکسالی و مدیریت ناصحیح منابع آبی بر ثبات سیاسی برخی کشورها مانند سومالی، منطقه دریاچه چاد، مالی و سودان جدی‌تر ورود کرده و در این خصوص قطعنامه‌هایی نیز صادر کرده است.^۲ افزون بر این شورای امنیت در قطعنامه ۲۴۱۷ خود در سال ۲۰۱۸ تأثیر مخاصمات مسلحانه بر امنیت غذایی و لوازم ضروری برای بقای انسان مانند آب را مورد توجه قرار داد و از دولت‌ها متابعت از قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه در احترام و حمایت از غیرنظامیان و لوازم ضروری برای بقای آنها مانند منابع و تأسیسات آبی را خواسته است (UN Doc. S/RES/2417, 2018: preamble and Para. 1).

در دو مباحثه موضوعی ذکر شده در خصوص آب و امنیت در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷، دولت‌های مشارکت‌کننده گستره مختلفی از دیدگاه‌ها، از دیدگاه حمایتی برای ورود شورای امنیت به موضوع تهدیدات امنیتی آبی (مانند فرانسه) تا دیدگاهی میانه (مانند چین) و دیدگاهی کاملاً منفی و مخالف (مانند روسیه) را مطرح کردند، تحلیل نظرهای آنان مؤید نوعی اشتراک نظر در نیاز به اتخاذ اقداماتی برای تغییر و انتقال آب از دلیلی برای تعارض به سوی منبعی برای همکاری بین دولتهاست (Tignino, 2018: 126-127).

دبیرکل سازمان ملل متحد نیز در ملاحظاته‌اش به سازمان ملل با موضوع «حفظ صلح و امنیت

1. See: UN Doc. S/RES/465, 1980, preamble and para. 8; UN Doc. S/RES/1565, 2004, para. 22; UN Doc. S/RES/1533, 2004, para. 6; UN Doc. S/RES/1509, 2003, para. 3(r).

2. See: UN Doc. S/RES/2349, 2017; UN Doc. S/RES/2408, 2018; UN Doc. S/RES/2423, 2018; UN Doc. S/RES/2429, 2018.

بین‌المللی: دلایل ریشه‌ای مخصصات نقش منابع طبیعی»، به آب به‌عنوان یکی از این دلایل اشاره و اظهار کرد توزیع غیرمنصفانه منابع طبیعی، فساد و سوء مدیریت، می‌تواند به تعارضات منجر شود و احتمال ایجاد این تعارضات در کشورهایی با نهادهای ضعیف‌تر بیشتر است. البته دبیرکل به این نکته نیز اشاره کرد که منابع طبیعی در موارد بسیاری موجب همکاری بین‌المللی شده است؛ برای مثال در حوضه رود سنگال یا دریاچه تیتیکاکو در آمریکای جنوبی که زمینه همکاری بیشتر بین دولت‌های اطراف را فراهم آورده است (Guterres, 2018: 2/20).

مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز در سال ۲۰۱۰ دو قطعنامه به‌طور خاص در زمینه «آب، صلح و امنیت بین‌المللی» صادر کرده است. قطعنامه اول، آب‌های فرامرزی را به‌عنوان منبع تأمین امنیت و هماهنگی‌های زیست‌محیطی، سیاسی و اجتماعی می‌داند و برای ایجاد همکاری بیشتر بین دولت‌ها از آنها می‌خواهد که کنوانسیون استفاده غیرکشتیرانی از آبراهه‌های بین‌المللی ۱۹۹۷ را تصویب کرده و برای مدیریت دیگر حوضه‌های آبی بین‌المللی توافقاتی را بین خود مقرر کنند و همگی از رویکرد جامع مدیریت منابع آب پیروی کنند (UN Doc. A/RES/64/692, 2010: Chapter V, Paras. 61-75). قطعنامه دوم نیز به‌عنوان اصلاحیه بند ۲۲ قطعنامه نخست، اهمیت توافقاتنامه‌های آبی دو و چندجانبه را بیان می‌کند و ناکافی بودن دیگر عهدنامه‌های زیست‌محیطی را برای رفع مسائل آبی مورد اشاره قرار می‌دهد (UN Doc. A/RES/64/692/Corr. 1, 2010).

امروزه آب به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین نیازهای انسانی که با سایر حقوق بشری در ارتباط مستقیم است و بدون آن سخن گفتن از کرامت انسانی و توسعه جوامع غیرممکن است، یکی از ابعاد مهم امنیت انسانی را تشکیل داده و در رویه و اسناد صادره از نهادهای بین‌المللی، به‌ویژه شورای امنیت، مطرح نظر قرار گرفته است. حال باید این نکته مورد توجه قرار گیرد که راهکار رفع ناامنی آبی و ارتقای صلح و امنیت آبی در جهان چیست و راهبردهای حقوق بین‌الملل در این زمینه کدامند؟

۵. راهبرد حقوقی رفع ناامنی آبی در جهان

از مطالعه نظریات و رویه نهادهای بین‌المللی چنین برآمد که آب در تهدید و یا برعکس، ارتقای صلح و امنیت بین‌المللی نقش دارد، زیرا ماهیت سیال آب، فرابخشی بودن آن و نیز به‌هم‌پیوستگی نظام روابط بین‌المللی موجب می‌شود آثار و تبعات بحران کم‌آبی در هر نقطه از جهان، صلح و امنیت را در سراسر جامعه بین‌المللی تهدید کند. از این رو نخست باید به این مسئله پرداخته شود که راه‌حل اساسی رفع تهدیدات امنیتی آبی کدام است و در مرحله بعد، باید این موضوع موردنظر قرار گیرد که تعهدات حقوقی اعضای جامعه بین‌المللی در راستای تسهیل این راه‌حل و رسیدن به صلح و امنیت از طریق رفع بحران

آبی جهانی چیست؟ گفتنی است در سال ۲۰۰۴، هیأت عالی‌رتبه دبیرکل سازمان ملل متحد در گزارش در خصوص تهدیدات، چالش‌ها و تغییرات، بر توسعه مستمر رژیم‌ها و هنجارهای بین‌المللی و ایجاد سازوکارهای حقوقی جدید در حوزه منابع طبیعی، در مواردی که سازوکارهای موجود برای پاسخگویی به تهدیدات نسبت به امنیت جمعی کافی نیستند، تأکید کرد (Report of the Secretary-General's High-level Panel, 2004: 35). با وجود این، لازم است در ابتدا به این نکته توجه داشت که حقوق، به‌تنهایی و فارغ از دیگر نظامات اجتماع، ناتوان از رفع بحران آب و استقرار امنیت آب در سراسر جهان یا منطقه‌ای خاص است. اما از آنجا که حقوق به‌عنوان بخشی از هنجارهای اجتماعی، از امکان کنترل اجتماعی، تغییر رفتار بازیگران و نیز پیشگیری از بروز اختلافات برخوردار است، می‌تواند بستری مناسب برای تسهیل و تضمین اجرای راه‌حل‌های یافته‌شده را فراهم آورد و از این‌رو، برای دستیابی به امنیت آبی جمعی ضروری پنداشته می‌شود (Magsig, 2020: 49-50). شایان ذکر است که راهبردهای حقوقی حل بحران آب نیز متکثر و متنوع‌اند و در این نوشتار، تنها به یکی از این راهبردها، یعنی تسهیل و نهادینه‌سازی همکاری بین‌المللی پرداخته می‌شود.

۵.۱. همکاری: کلید رفع بحران آبی

پیش از هر چیز ذکر این نکته مهم پنداشته می‌شود که جامعه بین‌المللی، جامعه‌ای غیرساختارمند است که بازیگران اصلی در آن، دولت‌ها هستند. در این عرصه، دولت‌ها شخصیت‌های معقول پنداشته می‌شوند که همواره در پی کسب منفعت خود هستند (Leb, 2013: 20). دیدگاه‌های جدید در مکتب لیبرالیسم، با عناوین نهادگرایی که بر شکل‌گیری نهادها و سازمان‌های بین‌المللی تأکید دارد و نیز رئالیسم تدافعی که بر ثبات‌آفرینی سیستم‌های موازنه قوا و توزیع قدرت مبتنی است (دادمهر، ۱۳۹۴: ۲۸-۲۹، ۳۶-۴۲)، هر دو بر این مسئله صحنه می‌گذارند که دولت‌های معقول در جهان آنارشیک امروز، به‌جای انتخاب رقابت همیشگی با یکدیگر، تمایل دارند تا به همکاری روی آورند، زیرا اگرچه رقابت و قدرت‌نمایی ممکن است در کوتاه‌مدت منافع آنها را تضمین کند، در مدت زمانی طولانی، به ضرر آنها خواهد بود. هر دو این نظریات، اثبات می‌کنند که دولت‌ها با الهام از مثال معروف «دوراهی زندانی»، خواهان این هستند که در طولانی‌مدت ریسک خیانت از سوی دیگر کشورها را به حداقل ممکن برسانند و در این زمینه بهترین روش، برقراری همکاری با یکدیگر است (Leb, 2009: 121). در زمینه مدیریت منابع آب نیز اگر منافع دولت‌ها همسو باشد، احتمال وصول به همکاری بیشتر است؛ برای مثال در مورد حفظ یک منبع آبی از خطر آلودگی. اما حتی زمانی که دولت‌ها، هریک منافع خاص خود را دنبال می‌کنند،

رقابت‌های همیشگی اگرچه ممکن است در کوتاه‌مدت مفید باشد، در طولانی‌مدت، به ضرر همه کشورهای یک حوضه آبریز خواهد بود و در نهایت، دولت‌ها همکاری را بر رقابت دائمی ترجیح می‌دهند (Leb, 2013:18-19). نظر به اینکه همکاری، تا حد زیادی به تعریف امنیت ملی بستگی دارد و چنانکه ذکر شد، امنیت ملی، امروزه تنها در رفع تهدیدات نظامی خلاصه نمی‌شود و امنیت اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی کشورها نیز جلوه‌هایی از امنیت آنها را تشکیل می‌دهد که همگی با امنیت آبی پیوندی اجتناب‌ناپذیر دارد (Leb, 2013: 21-22)، بنابراین طرفداران هر دو رویکرد رئالیسم و لیبرالیسم در دوره‌های امنیتی، همکاری را روشی عاقلانه‌تر می‌پندارند. برای مثال در حیطه آبراهه‌های بین‌المللی، کشورها برای آنکه بتوانند برای همیشه از منافع یک آبراهه مشترک بهره‌مند شوند، ترجیح می‌دهند به جای رقابت با یکدیگر بر سر آب، همکاری آبی را برگزینند. دیدگاه طرفداران نئولیبرالیسم آن است که تنها روش رسیدن به امنیت و شکل دادن به همکاری، افزایش منفعت همه، از طریق ایجاد سازمان‌ها و نهادهای ثابت بین‌المللی است، اما طرفداران رئالیسم تدافعی، تنها عامل روی آوردن دولت‌ها به همکاری را بالا بردن توان و قدرت خود می‌دانند. بر این اساس، ممکن است کشورها به اتحادیه‌های کوتاه‌مدت بپیوندند، اما تا حد ممکن سعی می‌کنند از عضویت در نهادها و ترتیبات طولانی‌مدت خودداری ورزند و به این نهادها بیش از یک ابزار کشورداری توجه نمی‌کنند (Leb, 2009: 127). بنابراین در هر دو نظریه، نتیجه نهایی یکسان است؛ یعنی نیک واضح است که استقرار امنیت آب که می‌تواند حرکت به سوی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، به‌عنوان مهم‌ترین هدف حقوق بین‌الملل را تسهیل کند، بیش از همه، نیازمند مشارکت و همکاری دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی است (فضائی و رشیدی، ۱۳۹۸: ۲۲۰). درحالی‌که اندیشمندان نئولیبرال، همکاری را در گرو تأسیس نهادها و ایجاد قواعد بین‌المللی می‌دانند، طرفداران رئالیسم تدافعی معتقدند نهادها و قواعد بین‌المللی تنها پس از تصمیم دولت‌ها به همکاری ایجاد می‌شود. لیکن آنچه اهمیت دارد آن است که کلید رفع بحران آبی در جهان فاقد اقتدارات عالیّه امروز در تعامل بین دولت‌ها، ایجاد همکاری‌های آبی است (Leb, 2009: 127).

۵.۲. تعهد به همکاری در حقوق بین‌الملل آب‌های فرامرزی

چنانکه ذکر شد همکاری در حوزه حقوق آبراهه‌های بین‌المللی ضرورتی گریزناپذیر است. «همکاری» اصطلاحی است که در مقابل «یکجانبه‌گرایی» قرار می‌گیرد و در تعریف خاص خود به نوع مشخصی از کار کردن با یکدیگر اشاره دارد که از طریق تشکیل سازمان رسمی و به‌کارگیری روش‌های مدیریتی خاص، دسترسی به اهداف مشترک را ممکن می‌سازد (پورهاشمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۲). منظور از تعهد به همکاری در حیطه حقوق آبراهه‌های بین‌المللی نیز «مجموعه‌ای از تدابیر و تعهدات متقابل است که باید از

سوی دولت‌های ذی‌نفع برای بهره‌برداری بهتر از منابع آبی و تحقق منافع حداکثری برای همه دولت‌های ساحلی مورد توجه قرار گیرد» (محمد و ولدبیگی، ۱۴۰۰: ۱۴۶۱). الزام دولت‌ها به همکاری ریشه در اصول حسن نیت و حسن همجواری دارد و اصول و قواعد مندرج در منشور سازمان ملل متحد یکی از منابع معاهداتی است که می‌توان تعهد به همکاری را از آن استخراج کرد. بند ۳ ماده ۱ منشور، حصول همکاری بین‌المللی در حل مسائل بین‌المللی را که دارای جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یا بشردوستی است و در پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان و یا مذهب نقش دارد، در زمره اهداف ملل متحد قرار داده است. مواد ۵۵ و ۵۶ این سند، دولت‌ها را به همکاری با یکدیگر و با سازمان ملل متحد جهت دستیابی به توسعه اقتصادی، اجتماعی و استانداردهای بالای زندگی تشویق می‌کند. گذشته از آنکه همکاری یکی از شالوده‌های بنیادین نظم کنونی بین‌المللی را تشکیل می‌دهد، یکی از انگیزه‌های اصلی برای توسعه حقوق همکاری در عرصه بین‌المللی، با حرکت جامعه بین‌المللی به سمت حل مسائل و مشکلات زیست‌محیطی اتفاق افتاد؛ زیرا حل این‌گونه مشکلات، بدون همکاری و مشارکت سایر دولت‌ها و بازیگران بین‌المللی اساساً ممکن نبود. به این ترتیب، معاهدات زیست‌محیطی شکل گرفته، اغلب حاوی تعهد به همکاری نیز هستند. عنصر مشترک این‌گونه معاهدات، به رسمیت شناختن وابستگی متقابل بین دولت‌هاست. این وابستگی یا به واسطه طبیعت و ماهیت سرزمینی دولت‌ها و یا بنا به اراده خود آنها برای کسب سود بیشتر، ایجاد می‌شود و مبنایی برای لزوم همکاری آنها را شکل می‌دهد (Leb, 2019: 97). وابستگی سرزمینی، واقعیت وضعیتی است که کشورهای مجاور رودها، دریاچه‌ها و آبخوان‌های مشترک در آن قرار دارند (Leb, 2019: 97) و از این رو، تعهد به همکاری، در بسیاری از اسناد و معاهدات خاص در زمینه مدیریت منابع آبی بین‌المللی از جمله ماده ۸ کنوانسیون سازمان ملل در حقوق استفاده‌های غیرکشتری از آبراهه‌های بین‌المللی (۱۹۹۷) صورتی عینی تر به خود گرفته است. شایان ذکر است که انجمن حقوق بین‌الملل در قواعد مونترال ۱۹۸۲ در مورد آلودگی آبی در یک حوضه آبریز بین‌المللی بیان کرد که همکاری می‌تواند به عنوان یک اصل بنیادین در حقوق بین‌الملل آب در نظر گرفته شود (ILA, 1982: Art. 4). با وجود این، حکمرانی بین‌المللی در عرصه محیط زیست به طور کلی و در مدیریت منابع آبی فرامرزی به طور خاص، مدت‌ها تحت سلطه ترجیح حاکمیت بر مدیریت مشترک این منابع قرار داشته و دارد. بنابراین گذر از مفهوم مضیق حاکمیت و پیشروی به سوی پذیرش این موضوع که حاکمیت نافی مسئولیت برای همکاری نیست، کلید رفع بحران آبی فراگیر در جهان و به ویژه در مناطق کم‌آب جهان است. اگرچه نشانه‌هایی از این رویکرد در اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل ناظر بر روابط دوستانه و همکاری میان دولت‌ها، جایی که وظیفه همکاری میان دولت‌ها را صرف‌نظر از تفاوت در نظام‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به منظور نیل به صلح و امنیت بین‌المللی شناسایی می‌کند (UN Doc. A/RES/2625, 1970: 122)، دیده می‌شود، اما همچنان حقوق بین‌الملل از ایجاد تغییرات

اساسی در برداشت سنتی دولت‌ها از حاکمیت ناتوان بوده و شایسته است با ابزارهای در دسترس، اعم از تدوین اسناد الزام‌آور در زمینه مدیریت منابع آبی فرامرزی، ایجاد رویه قضایی و به مدد سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی، وظیفه دولت‌ها به همکاری بین‌المللی در این زمینه را یکی از عناصر اساسی حاکمیت جلوه دهد. در این زمینه هدف ۶،۵ از اهداف توسعه پایدار که مدیریت جامع منابع آبی در همه سطوح از طریق همکاری فرامرزی را مقرر داشته است (UN Doc: A/RES/70/1, 2015: Goal 6.5)، می‌تواند چراغ راهی برای این اقدام باشد.

شایسته توجه است که همکاری تنها یک تعهد ساده برای مدیریت منابع آبی فرامرزی نیست، بلکه عمل به آن برای اجرای مؤثر دیگر اصول و قواعد حقوق بین‌الملل آب ضرورت دارد. برای نمونه اجرای مؤثر اصل استفاده منصفانه و معقول از منابع آبی و اصل منع آسیب قابل توجه فرامرزی بدون همکاری غیرممکن است (Leb, 2014: 29)، زیرا هدف اصلی همکاری، بهره‌برداری بهینه و پایدار تمامی دولت‌ها از یک حوضه آبریز مشترک و تضمین حفاظت از آن منبع است. بر این مبنای، تمامی کشورهای یک حوضه آبریز، از حق مشترکی در همکاری برخوردارند و این همکاری، لازمه استفاده بهینه از آب است (Oranye & Aremu, 2021: 3). در منطقه کم‌آب غرب آسیا نیز که رقابت به‌طور عمده در زمینه مدیریت کمی آب است، دولت‌های کنونی باید به این نتیجه دست یابند که به‌جای رقابت بر سر تسهیم منابع آبی، مقتضی است بر اساس رویکرد مبتنی بر نفع جمعی و بهره‌گیری از روش‌هایی مثل تبادلات اقتصادی، سازوکارهایی تعبیه کنند که بیشترین منفعت را نصیب تمامی کشورها سازد. برای مثال برای رفع مشکل کم‌آبی در آسیای مرکزی، به موجب توافقنامه استفاده مشترک و مرکب از منابع آب و انرژی مخازن آبشار نارین سیر دریا، کشورهای پایین دست موافقت کردند که در ازای رهاسازی آب در فصل کشت تابستان، به جمهوری قرقیزستان در ماه‌های زمستان برق و زغال سنگ ارائه دهند.^۱ بسیاری از اشکال رقابت‌ها در منابع آبی مشترک غرب آسیا به دلیل نیاز به تأمین انرژی برق‌آبی در بالادست و نیاز به کشاورزی و آشامیدن در پایین دست است که با همکاری قابل رفع است.

افزون بر این، دولت‌ها ملزم‌اند بر مبنای برابری حاکمیت، تمامیت سرزمینی، منافع متقابل و حسن نیت به منظور دستیابی به بهره‌وری مؤثر و حفاظت کافی از آبراهه‌های بین‌المللی با یکدیگر همکاری کنند. بنابراین تعهد عام به همکاری به‌عنوان یک پیش شرط در حقوق بین‌الملل آب در نظر گرفته می‌شود که در منطقه‌ای خاکستری مابین یک اصل حقوقی و یک تعهد قانونی خاص قرار دارد (Leb, 2019: 99). حقوق و تعهداتی که تابعان حقوق بین‌الملل برای اجرای اصل همکاری مکلف به انجام آن هستند، در دو دسته تعهد به رفتار و تعهد به نتیجه دسته‌بندی می‌شوند.

1. See: Agreement on Joint and Complex Use of Water and Energy Resources of the Naryn Syr Darya Cascade Reservoirs, Bishkek, Kyrgyzstan, 1998.

تعهدات نوع اول، نوع رفتار دولت‌های مشارکت‌کننده در حوضه‌های آبریز مشترک را توصیف می‌کنند. این‌گونه تعهدات که در حقوق بین‌الملل آب، تعهدات شکلی یا عملی نیز نامیده می‌شوند (McCaffrey, 2001: 465-480)، نحوه عمل و رفتار دولت‌های مشارکت‌کننده در رویه همکاری آبی را مشخص می‌کنند. نمونه‌های آن شامل تبادل منظم اطلاعات، اطلاع‌رسانی وضعیت‌های اضطراری یا اقدامات برنامه‌ریزی‌شده و انجام مذاکره و مشورت با هدف دستیابی به توافق است.

نوع دوم تعهدات، یعنی تعهدات به نتیجه، مبنایی برای اتخاذ اقدامات مشترک و ایجاد چارچوب‌های ساختاری را تشکیل می‌دهد و نیز زمینه‌ای برای اجرای دیگر تعهدات متمرکز بر نتایج مشخصی را فراهم می‌آورد که به تعمیق همکاری، تسهیل استفاده بهینه و حمایت کافی از منابع آبی، استفاده منصفانه و معقول از آبراهه‌های بین‌المللی و پیشگیری از آسیب چشمگیر فرامرزی منجر می‌شود (Leb, 2019: 100). برای مثال به‌دنبال توسعه بهره‌وری‌های صنعتی از منابع آبی مشترک و آلودگی‌های زیست‌محیطی ناشی از آن، دولت‌ها بر تعهد به همکاری به‌منظور پیشگیری، کنترل، نظارت و یا کاهش آلودگی‌های آبی توجه بیشتری کردند. برای نمونه در دریاچه‌های بزرگ بین کانادا و آمریکا، معاهده آب‌های مرزی ۱۹۰۹ چارچوبی برای ارتقای کیفیت آبی دریاچه‌های مزبور را ایجاد کرد که از نظر تاریخی از اولین اسناد برای کنترل آلودگی است.^۱ همچنین بسیاری از معاهدات آبی زیست‌محیطی هدف خود را حمایت از محیط زیست قرار داده‌اند و دولت‌های عضو را مکلف به همکاری برای رسیدن به این هدف قرار می‌دهند، نمونه آنها کنوانسیون حفاظت از دانوب^۲ ۱۹۹۴ و پروتکل دریاچه ویکتوریا^۳ ۲۰۰۳ است. از دیگر مثال‌های تعهد به نتیجه در اجرای همکاری آبی فرامرزی، اتخاذ اقداماتی در جهت پیشگیری از وضعیت‌های اضطراری است. معاهده رود کلمبیا از جمله توافقنامه‌هایی است که در آن همکاری بین کشورهای عضو موجب افزایش پیشگیری از خطر سیلاب شد.^۴ توافقنامه‌های مربوط به ساخت دروازه‌های آهنی برای مهار قدرت آب در دانوب^۵ نیز از دیگر موارد همکاری در این زمینه است. همکاری برای دستیابی به بهره‌وری بهینه از منابع آبی نیز نوع دیگری از تعهد به نتیجه در اصل همکاری است که تأثیر مستقیمی بر مدیریت کمی منابع آبی بین‌المللی دارد. برای مثال همکاری در ایجاد سد ایتاپیو در رود پارانا موجب تولید بیشتر برق شد که برق مورد نیاز برای بخش قابل توجهی از شبکه کشور پاراگوئه و

1. See: Boundary Waters Treaty, 1909.

2. See: Convention on Cooperation for the Protection and Sustainable Use of the Danube River, 1994, Art 2.

3. See: Protocol for Sustainable Development of Lake Victoria Basin, 2003, Art 2.

4. See: Treaty between Canada and the United States of America relating to co-operative Development of the water resources of the Columbia River Basin, 1961.

5. See: Final Act, Agreement and other Acts relating to the Establishment and Operation of the Iron Gates Water Power and Navigation System on the River Danube, Belgrade, 1963.

برزیل را فراهم می‌کند.^۱ در حوضه رود سنگال نیز انجام همکاری، استفاده از آب برای امور تولید برق، کشتیرانی و آبیاری را تقویت کرد (Leb, 2019: 104).

پی‌ریزی و عملیاتی ساختن همکاری در سطح هر حوضه آبریز فرامرزی، نیازمند نقش‌آفرینی حقوق بین‌الملل مبتنی بر فرمولی است که عناصر اصلی آن باید شامل انعقاد یک معاهده بین‌المللی ناظر بر مدیریت یک حوضه آبریز، تأسیس نهاد مشترک منطقه‌ای برای انجام هماهنگی‌ها، وضع و تدوین برنامه‌های هماهنگ و مشترک با استفاده از مذاکرات مستمر بر مبنای تعهد به تبادل منظم اطلاعات، اطلاع‌رسانی و مشورت و نیز پیش‌بینی روش‌های مناسب حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات باشد. گفتنی است در این زمینه، گام‌های مهمی اتخاذ شده است. از جمله انعقاد دو معاهده عام در زمینه حقوق آب‌های فرامرزی، یعنی کنوانسیون حقوق استفاده‌های غیرکشتیرانی از آبراه‌های بین‌المللی ۱۹۹۷ که در سال ۲۰۱۴ لازم‌الاجرا شد و نیز کنوانسیون حفاظت و استفاده از آبراه‌های فرامرزی و دریاچه‌های بین‌المللی که در ابتدا به ابتکار کمیسیون اقتصادی سازمان ملل برای اروپا در سال ۱۹۹۲ مورد پذیرش قرار گرفت و از سال ۲۰۱۶ برای الحاق کشورهای سایر مناطق مفتوح شد. رویکرد دولت‌ها بر مدیریت منابع آبی مشترک در سطوح منطقه‌ای نیز با انعقاد معاهدات دو یا چندجانبه همکاری‌های آبی شایان توجه است. تجارب بین‌المللی حاکی از آن است که معاهدات آبی دو یا چندجانبه حتی در مواردی که روابط دولت‌های عضو در شرایط خوبی نیست، می‌تواند به حیات خود ادامه دهد و مانع افزایش تنش‌ها شود. برای مثال معاهدات آب‌های ایندوس ۱۹۶۰ بین هند و پاکستان، علی‌رغم وقوع سه جنگ مسلحانه بین آن کشورها همچنان پایدار بوده و تنظیم‌کننده روابط آبی میان آن دو کشور است.

ایجاد سازمان‌های حوضه آبریز نیز از دیگر اشکال مهم همکاری‌های آبی و ارتقای صلح و امنیت بین‌المللی است که در هر دو مباحثه بر گزار شده در شورای امنیت مورد توجه دولت‌های مشارکت‌کننده قرار گرفت. برای مثال ۱۴ عضو کمیسیون حفاظت از رود دانوب همواره از تجربه فنی کمیسیون برای مدیریت این رودخانه بهره‌برده‌اند یا ایجاد کمیسیون حوضه رود ساوا مثال بارزی از همکاری و صلح پس از جنگ میان کشورهای یوگسلاوی سابق است. در آسیا کمیسیون رود مکونگ زمینه همکاری میان کشورهای حوضه رود را فراهم کرده و تجربه موفق در این زمینه به‌شمار می‌آید. به این ترتیب، حرکت دولت‌ها به‌سوی تقویت همکاری‌ها در زمینه آب و در نظر گرفتن منافع همه کشورهای، با اولویت‌بخشی به پایداری جریان رود و حفظ اکوسیستم آن، کلید رفع بحران آبی در جهان و ارتقای صلح و امنیت بین‌المللی از طریق آب است.

1. See: Treaty between the Federative Republic of Brazil and the Republic of Paraguay concerning the Hydroelectric Utilization of the Water Resources of the Paraná River owned in Condominium by the two Countries, from and including the Salto Grande de Sete Quedas or Salto del Guairá, to the Mouth of the Iguassu River (Treaty of Itaipú), 1973.

۶. نتیجه

همزمان با روند انسانی شدن حقوق بین‌الملل، مفاهیمی چون صلح و امنیت بین‌المللی رنگی انسانی به خود گرفته و از معنای صرف نبود جنگ و مصونیت از خطرهای نظامی علیه حاکمیت دولت‌ها دور شده و به آسودگی خاطر انسان نسبت به تأمین نیازهای اساسی او تغییر معنا داده است. در نتیجه این روند، ابعاد جدیدی از امنیت مانند امنیت زیست‌محیطی، امنیت غذا و امنیت انرژی شکل گرفت. اما در سده بیست و یکم، در پی جدی‌تر شدن مسئله کم‌آبی، آب به یکی از چالش‌برانگیزترین موضوعات امنیتی مبدل شد و اندیشمندانی از مکاتب مختلف و نیز رویه‌نهادهای بین‌المللی بر پیوند آب، صلح و امنیت بین‌المللی تأکید کردند. حتی در این میان، پیش‌بینی‌هایی در زمینه بروز جنگ‌های آبی در آینده صورت گرفت. اما برآیند تحلیل نظریات اندیشمندان مکاتب مختلف و واقعیات عینی نشان می‌دهد که اگرچه با افزایش بهره‌برداری‌ها از منابع آبی اندک موجود و تشدید تأثیرات تغییرات اقلیمی، ایجاد مناقشات آبی در سطوح داخلی یا بین‌المللی گریزناپذیر است، این تعارضات و مناقشات لزوماً به جنگ تمام‌عیار آبی منتهی نخواهد شد، زیرا دولت‌های معقول در جهان نابسامان کنونی که برای موجودیت و بقای خود تلاش می‌کنند، در نهایت، همکاری را بر جنگ آبی ترجیح خواهند داد، زیرا حل مسائل و مشکلات آبی، از عهده تک‌تک دولت‌ها خارج است و از این‌رو به همکاری در سطوح مختلف دوجانبه و چندجانبه بین‌المللی نیاز دارند. به این ترتیب، همکاری آبی، راهکاری برای رهایی از آینده‌دهشتناکی است که مسائل مربوط به بحران آب، پیش‌روی جامعه بین‌المللی نهاده است. در این میان، حقوق بین‌الملل با قاعده‌مندسازی همکاری، در اسناد و معاهدات با زمینه‌های موضوعی عام و خاص و تعیین و تبیین اشکال مختلف همکاری‌های آبی، درصدد است تا روند رسیدن به امنیت آبی در جهان را تسهیل کند. اگرچه این نکته شایسته تأمل است که تأمین بهتر و مؤثرتر امنیت آبی نیازمند گذار از نگاه مضیق به اصل حاکمیت است و باید این نکته مدنظر قرار گیرد که حاکمیت نافی مسئولیت دولت‌ها به همکاری نیست و حرکت در راستای صلح و امنیت انسان محور که امنیت آبی بخشی از آن است، نیازمند اهتمام دولت‌ها نسبت به مدیریت مشترک منابع آبی فرامرزی است، به گونه‌ای که بیشترین منفعت و کمترین ضرر نصیب تمامی بهره‌برداران آبی شود و در عین حال منابع آبی برای نسل‌های آینده نیز محفوظ بماند.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. دادمهر، هادی (۱۳۹۴). *اعتبارسازی در حقوق بین‌الملل و روابط بین‌الملل*. ج اول، تهران: مجمع علمی و

فرهنگی مجد.

۲. رشیدی، مهناز (۱۳۹۹). امنیت آب در حقوق بین‌الملل، چ اول، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۳. ستوده، محمد (۱۳۹۶). نظریه‌های روابط بین‌الملل، درآمدی بر روابط بین‌الملل متعالیه. چ اول، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۴. وکیل، امیرساعد (۱۳۹۱). حقوق بشر، صلح و امنیت بین‌المللی. چ دوم، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.

ب) مقالات

۵. ابراهیمی، شهرز؛ ستوده، علی‌اصغر و شیخون، احسان (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی رویکرد امنیتی اسلام با رویکرد امنیتی رئالیسم و لیبرالیسم. دوفصلنامه علمی - پژوهشی جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، ۲(۱)، ۲۸-۱.
۶. اسلامی، رضا و مرتضوی فرد، فاطمه (۱۳۹۴). آزادی از ترس. فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، ۱۵(۴۶)، ۳۹-۷۹.
۷. اشرفی، داریوش (۱۳۹۳). تفسیر جدید از صلح و امنیت بین‌المللی و تأثیر آن بر مفهوم حاکمیت ملی. فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، ۱۵(۴۲)، ۸۳-۱۰۹.
۸. پورهاشمی، سید عباس؛ زارعی، سحر و خلعتبری، یلدا (۱۳۹۲). بررسی جایگاه اصل همکاری در حقوق بین‌الملل محیط زیست. فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، ۱۵(۳۹)، ۶۱-۹۰.
۹. رشیدی، مهناز؛ ملکی راد، زهرا و مشهدی، علی (۱۴۰۰). استفاده از آب به‌عنوان سلاح در مخاصمات مسلحانه غرب آسیا از منظر حقوق بین‌الملل. همایش بین‌المللی حقوق بین‌الملل و مخاصمات مسلحانه در منطقه (غرب آسیا)، قم: دانشگاه قم.
۱۰. رنجبر حیدری، وحید و جمشیدی، ابراهیم (۱۳۹۵). بررسی مفهوم امنیت زیست محیطی با نگاهی به چالش‌های امنیت زیست محیطی ایران. فصلنامه راهبرد اجتماعی، فرهنگی، ۵(۲۱)، ۱۹۹-۲۳۱.
۱۱. شریفی طراز کوهی، حسین و مصطفی‌لو، جواد (۱۳۹۵). مبانی هنجاری دکترین امنیت انسانی. فصلنامه آفاق امنیت، ۹(۳۳)، ۱۰۵-۱۴۲.
۱۲. عباسی اشغلی، مجید (۱۳۸۳). تحلیل امنیت در پارادایم‌های حاکم بر روابط بین‌الملل. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۷(۳)، ۵۲۵-۵۴۷.
۱۳. عسکری، پوریا و یلدا خسروی (۱۳۹۵). ضرورت و بایسته‌های مطالعات صلح در حقوق بین‌الملل. پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱(۲۲): ۲۳۷-۲۶۶.
۱۴. فضائی، مصطفی و رشیدی، مهناز (۱۳۹۸). تعهد دولتها نسبت به امنیت آب در حقوق بین‌الملل. مطالعات حقوقی، ۱۱(۲)، ۱۹۳-۲۲۴.
۱۵. قاسمی، محمدعلی (۱۳۸۴). امنیت انسانی: مبانی مفهومی و الزامات راهبردی. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۸(۳۰)، ۸۱۷-۸۳۲.
۱۶. قریشی، سیده زهرا؛ میان‌آبادی، حجت و موسوی شفائی، مسعود (۱۳۹۸). نقش قدرت در دیپلماسی آب. تحقیقات منابع آب ایران، ۱۵(۲)، ۲۴۲-۲۶۴.

۱۷. محمد، سنگر داد؛ ولدبیگی، صالح؛ آزاد، عبدالقادر (۱۴۰۰). اصل همکاری در زمینه بهره‌برداری از آبراهه‌های بین‌المللی، با تأکید بر آبراهه‌های بین‌المللی ایران و عراق. *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، ۵۱ (۴)، ۱۴۵۹-۱۴۸۶.
۱۸. میان‌آبادی، حجت و قریشی، سیده زهرا (۱۴۰۱). تبیین پارادایم‌های رئالیسم و لیبرالیسم در روابط بین‌المللی آب و مناسبات هیدروپولیتیکی. *فصلنامه ژئوپولیتیک*، ۱۸ (۱)، ۱۵۰-۱۸۶.
۱۹. وحیدی راد، میکائیل (۱۳۹۲). نظریه وابستگی متقابل و کاربست آن در تاریخ معاصر ایران، «*خردنامه*»، ۲ (۱۰)، ۹۹-۱۱۴.
۲۰. یزدان فام، محمود (۱۳۸۶). دگرگونی در نظریه‌ها و مفهوم امنیت بین‌المللی. *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۳۸، ۷۲۵-۷۵۰.

ج) پایگاه‌های اینترنتی خبری-تحلیلی

۲۱. ابوطالبی، فرنوش (۱۳۹۵)، «آب و امنیت از دریچه سیاست»، فراتاب، بازیابی در: ۱۳۹۸/۰۱/۰۷، از: <http://www.faratab.com/news/4051>.
۲۲. کول، خوان کول و گراهام، دیوید (۱۳۹۴)، «رابطه ظهور داعش با تغییرات آب و هوایی خاورمیانه»، ترجمه: عاطفه ابراهیمی، ترجمان علوم انسانی، در: ۱۴۰۰/۰۴/۱۴: <http://tarjomaan.com/neveshtar/7383>.

۲. انگلیسی

A) Books and book sections

1. Leb, C. (2013). *Cooperation in the Law of Transboundary Water Resources*. New York: Cambridge University Press.
2. Lbb, C. (2019). Impmmmmooooo of hle nnn rrrll uu yy oo Cooprr''''''', In: cc Cffryy, Stephen C.; Leb, Christina and Riley T. Denoon (eds), *Research Handbook on International Water Law*. Cheltenham, Northampton, MA: Edward Elgar.
3. McCaffrey, Stephen C (2001). *the Law of International Watercourses*. Oxford: Oxford University Press.
4. Tggrrr, .. (2018). "Wrrrr nn hle Prcctice of the United Nations Security Council: Trnnds nnd wwwPtrspccvvy,, nn Tggrrr, aa ra nnd Brhhluu,, Chrssnnnmnd Luura Turley (eds), *Research Handbook on Freshwater Law and International Relations*, Cheltenham/ Northampton, MA: Edward Elgar Publishing.

B) Articles

5. Brown, O. (2005). The Environment and Our Security_ How Our Understanding of the Links Has Changed., International Conference on Environment, Peace and Dialogue among Civilizations, Tehran, May 9-10: 1-10.
6. Elhance, A.P (2000). Hydropolitics: Grounds for Despair, Reasons for Hope. *International Negotiation*, 5, 201-222.
7. Engerer, H. (2009). Security Economics: Definition and Capacity. *Economics of Security Working Paper*, 5, 2-28.
8. Food and Agriculture Organization of the United Nations (FAO) (2019). Land and Water

- Governance to Achieve the SDGs in Fragile Systems, Background Paper Prepared for the Plenary Session on Land and Water Governance., Cairo.
9. Gleick, P. H (1993). Water and Conflict: Fresh Water Resources and International Security. *International Security*, 18(1), 79-112.
 10. Leb, Christina (2009). Changing Paradigms: The Impact of Water Securitization on International Water Law. *IL Politico*, 74, 2 (221).
 11. Leb, C. (2014). One Step at a Time: International Law and the Duty to Cooperate in the Management of Shared Water Resources. *Water International*, 40 (1).
 12. Magsig, Bjørn-Oliver (2020). Water Security: A Litmus Test for International Law. *RECIEL*. 29.
 13. Oranye, N. P. & Aremu, A. W. (2021). The Duty to Cooperate in State Interactions for the Sustainable Use of International Watercourses. *Discover Sustainability*, 2(45), 1-8.
 14. Soltani, R., & Moradi, M. (2017). The Evolution of the Concept of International Peace and Security in light of UN Security Council Practice (End of the Cold War-Until Now). *Open Journal of Political Science*, 7.
 15. ooubyyrrn, A., & Tomnn, A. (2012). Wrrrr hhorgggs nnd Conf,,,,, *Revue d'économie politique*, 122.
 16. Wolf, Aron. T (1998). Conflict and Cooperation along International Waterways. *Water Policy*, 1, 2.
 17. Wolfers, A. (1962). *Discord and Collaboration: Essays on International Politics*, Baltimore: Johns Hopkins Press.
 18. Cooley, J.K (1984). The War over Water. *Foreign Policy*, 54, 3-26.

C) Documents

19. Climate Diplomacy (2018). "NN uuuurtty Council Holds First Debate on Climate and uuuuryyy nnnree 2011,, rrrrvvdd 05062019, from <https://www.climate-diplomacy.org/news/un-security-council-holds-first-debate-climate-and-security-2011>.
20. Dublin Statement on Water and Sustainable Development, (1992).
21. Guterres, António (2018). Remarks to Security Council on the Maintenance of International Peace and Security: The Root Causes of Conflict- the Role of Natural Resources, UN Doc. S/ PV. 8372.
22. ILA (1982). Rules on the Water Pollution in an International Drainage Basin, from Report of the Sixtieth Conference, Montreal Conference Report.
23. Kofi, Annan (2005). Executive Summary: In Larger Freedom: Towards Development, Security and Human Rights for All (United Nations General Assembly). 2005, retrieved from: www.un.org/en/events/pastevents/pdfs/larger_freedom_exec_summary.pdf.
24. Report of the Secretary-nnn rr''s ggggh-level Panel on Threats (2004), Challenges and Change, A More Secure World: Our Shared Responsibility, 2004.
25. Report of the Security Council Commission established under Resolution 446 (1979). UN Doc. S/14268, (1980).
26. Rio Declaration on Environment and Development, (1992).
27. ooond Wordd Wrrrr oorom (2000). "nnn srrrrlll ccc rrrroon of hle gggue on Wrrrr uuuuryyyhhe 21sn nnnny..
28. Stockholm Declaration, (1972).
29. The Commssoon on oobll oo vrrnnnee (1995). "uu r oobll gggghborhood,, Chpprrr

